

Pazuhesname-ye Alavi (Imam Ali's Studies),

Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)

Biannual Journal, Vol. 14, No. 1, Spring and Summer 2023, 215-234

<https://www.doi.org/10.30465/alavi.2024.47516.2614>

Combating Organized Corruption in Imām 'Alī's (as) Leadership Sīrah Abstract

Ramazan Mohammadi*, **Mohammad Hossein Karmi****

Ali Dehghan Bahadi***

Abstract

Administrative structures in the political system of any society play a significant role in combating and inhibiting administrative corruption. This article through the use of documentary research has sought to investigate and describe how Imam Ali (as) fought organized administrative corruption. After taking control of the government, Imam Ali (AS) faced two types of economic corruption; "organized and unorganized" economic corruption, in which organized administrative corruption is far more dangerous, complex, difficult, and with heavy consequences on the Muslim society. The findings of this research show that Imam Ali (a.s.) succeeded in eliminating the organized corruption from his political system by changing the structure of the Bayt al-mal system (as a financial administrative institution in Islamic states), reforming the method of distribution of the Bayt al-mal properties and financial resources and facing class conflict and systemic corruption. **The first strategy of Imam Ali's action plan was to create a comprehensive program to deal with economic corruption, typology of economic corruption and then its eradication.**

* Associate Professor of the Department of History, Research Institute of Hawzeh and University, Tehran, Iran
(Corresponding Author), rmohammadi@rihu.ac.ir

** Assistant Professor of the Department of Economics, Research Institute of Hawzeh and University, Tehran, Iran, mhkarami@rihu.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Education, Azad University, Quds Branch, Tehran, Iran,
dehqan114ali@gmail.com

Date received: 04/03/2024, Date of acceptance: 18/09/2024



مواجهه با فساد سازمان یافته اقتصادی در سیره حکومتی امیرمؤمنان(ع)

رمضان محمدی*

محمدحسین کرمی**، علی دهقان بهابادی***

چکیده

ساختار نظام اداری در نظام سیاسی هر جامعه‌ای در مواجهه و بازدارندگی از فساد اداری نقش بسزایی دارد. این مقاله با رویکرد سیره حکومتی امیرمؤمنان(ع) و با هدف کشف و وصف چگونگی مواجهه آن حضرت با فساد سازمان یافته اداری با استفاده از روش مطالعات اسنادی و تحلیلی بهره گرفته شده است. موضوع فساد اقتصادی سازمان یافته از مسائل مهم و بحث برانگیز مکاتب اقتصادی است. امیرمؤمنان(ع) بعد از سیطره بر حکومت با دوگونه از مفاسد اقتصادی روبرو شدند؛ فساد اقتصادی «سازمان یافته و فساد اداری غیرسازمان یافته» که فساد اداری سازمان یافته به مراتب خطرناک‌تر، پیچیده، دشوار و همراه با تبعات سنگین بر جامعه اسلامی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امیرمؤمنان(ع) با تغییر در ساختار نظام بیت‌المال و اصلاح شیوه تقسیم بیت‌المال و مواجهه با تضاد طبقاتی و فساد سیستماتیک توانست فساد سازمان یافته را از نظام سیاسی خود ریشه کن کند. نخستین اقدام آن حضرت ایجاد برنامه‌ای جامع در مواجهه با فساد اقتصادی، گونه‌شناسی فساد اقتصادی سپس ریشه کنی آن بوده است.

کلیدواژه‌ها: سیره، امیرمؤمنان(ع)، حکومت، فساد اقتصادی، فساد سازمان یافته.

* دانشیار، گروه تاریخ، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول)، rmoammadi@rihu.ac.ir

** استادیار، گروه اقتصاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، mhkarami@rihu.ac.ir

*** استادیار، گروه معارف، دانشگاه آزاد واحد شهر قدس، تهران، ایران، dehقان114ali@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸



۱. مقدمه

موضوع فساد اقتصادی سازمان‌یافته از مسائل مهم و بحث‌برانگیز مکاتب اقتصادی و حتی جوامع بشری در طول تاریخ بوده است. این مهم در سیره معصومین(ع) به عنوان یک مکتب نجات بخش و انسان‌ساز بررسی شده که میتوان از آن به معیارهایی برای مبارزه با فساد دست یافت. این نوشته به دنبال ترسیم سیره و مواجهه امیرمؤمنان(ع) با فساد سازمان‌یافته است، تا سنت و سیره ایشان در این مساله مشخص و به عنوان الگو به جوامع اسلامی عرضه شود. از نیازهای مبرم دنیای امروز ارائه تصویری صحیح از سیره امیرمؤمنان(ع) در مبارزه با فساد سازمان‌یافته و تبیین نحوه مواجهه و مشارکت بدنه جامعه در این مواجهه، با تاکید بر انطباق آن بر آموزه‌های اصیل دینی است؛ تا سیره طیبه ایشان به یک الگوی فراگیر، همه‌جانبه، قابل استناد و در دسترس مبدل شود. البته سیره امیرمؤمنان(ع) در برهه‌های مختلف زمانی در مواجهه با مفاسد اقتصادی، زمان دستیابی ایشان به حکومت و در زمان عدم دستیابی به حکومت، بسیار متفاوت بوده و خوشبختانه حجم گسترده‌ای از اطلاعات تاریخی لازم درباره مواجهه با فساد اقتصادی سازمان‌یافته در دوران نزدیک به ۵ ساله حکومت امیرمؤمنان(ع) موجود است.

فساد اقتصادی به مجموعه رفتارهای مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که فرد یا افراد مرتکب آن از جایگاه خود سوءاستفاده کرده و از این مسیر، امتیاز یا منفعت مالی برای خود یا دیگری به ناحق کسب می‌کنند. فسادهای اقتصادی دولتی و خصوصی مانند رانت، رشوه، اختلاس، کم‌فروشی و... از جمله بیماری‌های خطرناکی است که در همه جوامع، حتی جوامع اسلامی رخ می‌دهد. اهمیت این موضوع تا آنجایی است که مواجهه صحیح و هوشمندانه با این فساد اقتصادی از شاخص‌های برجسته حکمرانی مطلوب به شمار می‌رود؛ تا هنگامی که برنامه‌ای مدوّن و جامع درباره پیشگیری از فساد اقتصادی و جرم‌انگاری تنظیم و راهکاری مناسب برای مبارزه با آن ترسیم نشود، هرگونه اقدام اصلاحی فاقد نتیجه مطلوب خواهد بود.^۱

نخستین قدم برای ایجاد برنامه‌ای جامع در مواجهه با فساد اقتصادی، گونه‌شناسی فساد اقتصادی است. فساد اقتصادی به دو بخش کلی شامل «فساد سازمان‌یافته» و «فساد غیرسازمان‌یافته» تقسیم می‌شود. فساد سازمان‌یافته ممکن است «فساد سیستمی» یا «فساد سیستماتیک» باشد، فساد غیرسازمان‌یافته نیز می‌تواند در «بخش دولتی» یا در «بخش خصوصی» اتفاق بیفتد.

«فساد سازمان‌یافته اقتصادی»، از مهلک‌ترین بیماری‌ها در نظام اداری تلقی شده و این نوع از فساد اقتصادی همزاد دولت‌ها در سراسر تاریخ بشریت بوده است. هر یک از دو بخش

«فساد سازمان‌یافته» مفهومی مجزا دارند، اما به لحاظ قرابت واژگانی، در برخی موارد به اشتباه به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. فساد سیستمی (Systemic Corruption) اشاره به سیستم و نظام فسادپرور، فسادپذیر و فراگیری فساد در نظام اقتصادی دارد به طوری که فساد، بخش جدایی‌ناپذیر از یک نظام اقتصادی تلقی می‌شود؛ به عبارت دیگر «سیستمی» بودن به معنای فراگیری و سراسری بودن^۲ و «فساد سیستمی» در اصطلاح به نظام یا سازمانی اطلاق می‌شود که سراسر آن به فساد گرفتار شده باشد به نحوی که پیدا کردن فرد سالم در آن مستثنی واقع شود، وضعیتی که فساد بخشی جدایی‌ناپذیر از یک نظام اقتصادی بوده و اکثر مردم هیچ جایگزینی برای مقابله با مقامات فاسد ندارند.^۳

حال آن که فساد سیستماتیک (Systematic Corruption) در مفهوم اقدام شبکه‌ای، برنامه‌ریزی‌شده و مافیایی برای تولید فساد اقتصادی است. «سیستماتیک» معادل روشمند، نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده است.^۴ اصطلاح «فساد سیستماتیک» یا «فساد شبکه‌ای» در معنای وجود مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ، برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند در برخی از مسئولان و افراد صاحب نفوذ در بخش‌های مختلف اداری کشور به کار می‌رود که گاه حتی در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نیز نفوذ یافته‌اند. اصولاً فساد به معنایی که در پرونده‌های بزرگ اقتصادی مشاهده می‌شود، از توان یک یا چند نفر محدود در یک یا دو بخش خاص خارج است و ضرورتاً شبکه‌ای است. فسادهای گسترده‌ای که بازتاب می‌یابند، حاصل اقدام یک یا چند نفر محدود نیست و احتمالاً شبکه‌هایی از اشخاص مؤثر در بخش‌های مختلف در شکل‌گیری و تولد آن دخیل بوده‌اند. از این رو این‌گونه فسادهای سیستماتیک به معنی حاصل کار یک شبکه فساد تلقی شده و لزوماً نمی‌توان به دلیل وقوع «فساد سیستماتیک» از «فساد سیستمی» به معنای آلودگی فراگیر سیستم اداری کشور سخن گفت، زیرا فساد سیستماتیک یا شبکه‌ای، هر چند برنامه‌ریزی شده و روشمند است اما فراگیر نیست بلکه پراکنده و موردی اتفاق می‌افتد. فساد پراکنده نقطه مقابل فساد سیستمی است و از آنجا که به طور نامنظم رخ می‌دهد، مکانیسم‌های کنترل و نظارت بر اقتصاد را تهدید نکرده و فلج‌کننده اقتصاد نیست، اما می‌تواند روحیه افراد جامعه را به طور جدی تضعیف و اقتصاد کشور را متزلزل کند.^۵

این نکته حائز اهمیت است که در دوران حکومت حضرت رسول اکرم (ص)، هر چند فساد اقتصادی توسط برخی از کارگزاران ایشان صورت گرفته، اما می‌توان ادعا کرد فساد اقتصادی سازمان‌یافته در زمان رسول‌الله (ص) شکل نگرفته است؛ یعنی علاوه بر اینکه در ساختار اقتصادی حکومت رسول‌الله (ص)، فساد فراگیر نبوده، بلکه با تمهیدات هوشمندانه‌ای که ایشان

اندیشیده بودند، فساد شبکه ای نیز فرصت جولان پیدا نکرد. با رحلت جانگزار رسول خدا(ص) و تغییر در مسیر خلافت اسلامی، فساد اقتصادی شکل جدیدی به خود گرفته و تخلف از دستورات و قوانین اقتصادی اسلام توسط خلیفه دوم و به ویژه خلیفه سوم، سرلوحه اهداف دستگاه خلافت قرار گرفت^۶ که به موجب آن، فساد اقتصادی در جامعه اسلامی به شکلی سازمان یافته به صورت سیستمی و سیستماتیک نهادینه شد.

با روی کار آمدن امیرمؤمنان(ع)، مبارزه با فساد سازمان یافته اقتصادی - فساد سیستمی و سیستماتیک - دچار تحول بنیادی شد و در مدتی کوتاه، حضرت توانست با اقدامات اقتصادی خود، این فساد سازمان یافته را از حالت فراگیر، ضابطه مند و پذیرفته شده خارج کند.^۷ این به معنای رخ ندادن فساد اقتصادی در زمان امیرمؤمنان(ع) نیست، بلکه به این مفهوم است که فساد سازمان یافته به صورت سیستمی از بین رفته و در برابر فساد سیستماتیک، مواجهه ای جدی و همه جانبه شکل گرفته است.

اهمیت مسائل اقتصادی سبب پیدایش آثار مکتوب بسیاری درباره حوزه های مختلف اقتصادی شده است، اما آثار نگارشی همسو با موضوع این نوشتار بسیار اندک است و بدین سبب سیره اقتصادی امیرمؤمنان(ع) در این باره نیازمند نگارشی مستقل است تا مبانی، رویکرد و روش مواجهه حضرت با فساد سازمان یافته به دست آید و نتایج و دستاوردهای آن تحلیل و به عنوان یک راه حل به جامعه اقتصادی عرضه شود.

حال بر آنیم تا سیره حکومتی امیرمؤمنان(ع) را در مواجهه با انواع مفاسد سازمان یافته اقتصادی به صورت مجزا و تحت عناوین «مواجهه با فساد سیستمی» و «مواجهه با فساد سیستماتیک» بیان کنیم.

۲. مواجهه با فساد سیستمی در سیره حکومتی امیرمؤمنان(ع)

یکی از علل اصلی پیدایش فساد سیستمی، «ساختارها و قوانین اقتصادی» سست و معیوب یک جامعه است؛ به تعبیری دیگر، فراگیری فساد اقتصادی در یک سرزمین به نحوی که پیدا کردن کارگزار اقتصادی سالم در آنجا استثنا به نظر رسد و فساد، بخشی جدایی ناپذیر از یک نظام اقتصادی شده باشد، نتیجه به کارگیری و استخدام «ساختارها و قوانین اقتصادی» معیوب و فاسد است.

رسول خدا(ص) با تشکیل حکومت اسلامی در شهر مدینه، موازین اقتصاد اسلامی را برای مسلمانان تبیین نموده و در عمل به اجرا گذاشتند و همین امر سبب جلوگیری از ایجاد فساد

اقتصادی «سیستمی» ناشی از قوانین و ساختار فاسد دوران جاهلیت در حکومت ایشان شد.^۸ امیرمؤمنان(ع) نیز در روزهای ابتدایی به دست‌گیری حکومت، در یک برنامه هدفمند، دو گام بلند را جهت مبارزه با فساد اقتصادی سازمان‌یافته برداشت. گام اول، مبارزه با «فساد سیستمی» یعنی فساد فراگیری که ناشی از ساختار و قوانین فاسد جامعه اسلامی در دوران خلفای قبل از ایشان بود که از سنت اقتصادی رسول خدا(ص) دور شده بودند.^۹ آن حضرت ساختارهای فساد را حذف و قوانین و ساختارهای اقتصاد اسلامی را که منبعث از سنت و سیره رسول خدا(ص) بود جایگزین نمود. این تغییر ساختاری شامل: تغییر در قوانین و ساختار نظام پرداخت بیت‌المال و هم‌چنین شامل تغییر در قوانین و ساختار انتخاب کارگزاران می‌شد که موجب برگشت ریل اقتصاد به ساختار اسلامی شد که در ذیل بدان می‌پردازیم.

۱.۲ تغییر در شیوه پرداخت بیت‌المال

اولین اقدام امیرمؤمنان(ع) در زدودن «فساد سیستمی» در ساختار حکومت، «تغییر قوانین و ساختار نظام پرداخت بیت‌المال» بود؛ فساد که در دوران خلفای پیشین به ویژه در دوران خلیفه سوم به جامعه اسلامی تحمیل شد و در ابتدای حکومت امیرمؤمنان(ع) به یک فساد گسترده و عمیق مبدل گشت. صحابی رسول(ص) با آن که نظام پرداخت بیت‌المال را در سیره رسول‌الله(ص) دیده بودند اما به سبب گستردگی ساختار فساد اقتصادی به ثروت‌اندوزی روی آورده و به جهت تغییر نظام پرداخت در بیت‌المال در مقابل امیرمؤمنان(ع) ایستاده و کارزارهای سخت‌جمل و صفین^{۱۰} را ایجاد کردند. راهکارهای امیرمؤمنان(ع) در جهت «تغییر قوانین و ساختار نظام پرداخت بیت‌المال» و در جهت مبارزه با فساد سیستمی، به شیوه‌های متعدد و متنوعی بود که در ذیل به چهار راهکار و شیوه‌ای که حضرت آنها را اجرایی کرد پرداخته می‌شود.

۱.۱.۲ راهکار اول: مواجهه با شیوه غلط تقسیم بیت‌المال

اموال بیت‌المال که جزء اموال عمومی محسوب می‌شود، صورت‌های مختلفی دارد و مصارف هر کدام از این موارد دارای احکام خاص است و ناظر به این تفاوت، در تقسیم آن بین مسلمانان نیز شیوه‌های متفاوتی لحاظ می‌شود. در بین در هزینه‌کرد اقسام مختلف بیت‌المال و حدود اختیارات امام معصوم در صرف آن مباحث زیادی صورت گرفته است^{۱۱} ولی در یک تقسیم کلی اقسام مختلف بیت‌المال را می‌توان به سه صورت در نظر گرفت:

۱. بخشی از بیت‌المال الزاما هزینه «گروه خاصی از مسلمانان» می‌شود مانند زکات^{۱۲} که صرف فقرا، مساکین، در راه ماندگان، مقروضین، سالخوردگان، بیماران، کارگزاران می‌شود.

۲. بخشی دیگر از بیت‌المال الزاما هزینه «عموم مسلمانان» می‌شود و نمی‌توان آن را به گروه خاصی تعلق داد مانند خراج حاصل از اراضی مفتوح العنوه.^{۱۳}

۳. بخشی دیگر از بیت‌المال به صلاحدید امام معصوم می‌تواند صرف مصالح گروه خاصی از مسلمانان شود و یا به عموم مسلمانان اختصاص گیرد مانند اراضی انفال.^{۱۴}

سیره رسول خدا(ص) براساس تقسیم بندی فوق بنا شده بود؛^{۱۵} لذا بخشی از بیت‌المال به همه مسلمانان و به صورت برابر و مساوی تعلق می‌گرفت و بخشی دیگر به قشر خاصی از مردم تعلق می‌گرفت. در زمان حیات مبارک رسول خدا(ص) غنایم جنگی منقول به مجاهدین در جهاد تعلق می‌گرفت و دیگران از آن سهمی نداشتند مگر خمس از غنایم جنگی که به شخص رسول خدا(ص) تعلق می‌گرفت؛ اما این رویه در عصر خلفا قبل از امیرمؤمنان(ع) دچار تغییر شد و سهمی از آن به خواص جامعه که در جنگ شرکت نداشتند، واگذار می‌شد. مولف کتاب اخبار الموقیبات به نقل از ژهری می‌نویسد:

چون گوهر کسری (پادشاه ایران) را نزد عمر آوردند گفت: چون بسیار گران است آن را در بیت‌المال می‌گذاریم تا شاید در آینده، خدا بر مسلمانان گشایش دهد و کسی از آنان بتواند آن را بخرد. عمر کشته شد و آن گوهر به همان حالت بود و چون عثمان به خلافت رسید، آن را برداشت و زیور دخترانش کرد (قرشی، ۱۴۱۶: ۶۱۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۶/۹).

تلاش امیرمؤمنان(ع) در دوران حکومتش بر آن بود که آنچه به خزانه دولت وارد می‌شد صرف مصالح مسلمین شود، لذا در راستای الغای قوانین فساد زا و مبارزه با فساد سیستمی، از اعطای غنایم جنگی به افرادی که در جنگ حضور نداشتند، سر باز زد و برای اجرای این قانون به عبدالله بن زمعه بن اسود که از شیعیان و انصار حضرت هم بود و به جهت عدم شرکت وی در جنگ چیزی از غنائم به او نداد.^{۱۶} اسامه بن زید، پیکر را نزد حضرت فرستاد و گفت:

عطای مرا بفرست، شما می‌دانی که اگر در دهان شیر بروی، با شما می‌آیم. امیرمؤمنان(ع) در پاسخ نوشت: این مال برای کسی است که در جهاد شرکت کرده باشد؛ اما من در مدینه مالی دارم، هرچه می‌خواهی از آن بگیر (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۰۲/۴).

انفال که تحت عنوان غنایم غیرمنقول در بیت‌المال تبیین می‌شود، در دوران رسول الله (ص) در مسیر صحیح خود و در حکومت اسلامی و در منافع عمومی هزینه می‌شد و لکن بعد از رحلت ایشان و ایجاد انحراف در مسئله خلافت و جانشینی، مسیر هزینه‌کرد انفال نیز دستخوش تغییر و تحول قرار گرفت. واگذاری انفال به اشخاص تحت عناوین مختلف در زمان خلفای ثلاث بدل به یک قانون و یک روند مرسوم گردید که مخالف سیره رسول الله (ص) بود، لذا امیرمؤمنان(ع) در زمان خلافت خود بر اساس اقتضائات جامعه در تصحیح این ساختار فسادزا اصلاحاتی انجام داد تا بر اساس سنت و سیره رسول خدا (ص) بتواند انفال را در مسیر صحیح هزینه کند.

۲.۱.۲ راهکار دوم: مواجهه با ذخیره‌سازی بیت‌المال

از عوامل فساد سیستمی، ذخیره‌سازی بیت‌المال و عدم تقسیم سریع آن در بین صاحبان آن بود. سیاست رسول خدا(ص) در تقسیم بیت‌المال، سرعت در واگذاری بین مردم و عدم ذخیره‌سازی آن تا پایان سال بود (ابوعبید، ۱۴۰۶: ۲۶۴-۲۶۲). به طوری که شب نشده، آنچه در نزد آن حضرت جمع می‌شد، تقسیم می‌کرد (ابویعلی، ۱۴۲۶: ۲۸۸/۶)؛ اما خلیفه دوم اموالی را که به تدریج وارد بیت‌المال می‌شد تا پایان سال ذخیره کرد تا آن را یکباره بین مردم تقسیم نماید و برای تقسیم آن، اسامی مردم براساس برخی از ملاک‌های جدید در دفاتر ثبت و برای آنها حقوق‌های سالانه مختلفی در نظر گرفته شد (ابوعبید، ۱۴۰۶: ۲۳۵-۲۴۰).

امیرمؤمنان(ع) در ایام حاکمیت خود، بیت‌المال را بر اساس سیره رسول خدا (ص) تقسیم کرد. به جهت اینکه نگهداری بیت‌المال تا پایان سال و عدم تقسیم سریع و کنز و انباشت بیت‌المال تا پایان سال، از طرفی سبب عدم گردش ثروت در جامعه و رکود اقتصادی می‌شد و از طرفی این تاخیر موجب می‌شد که اموال به هنگام به دست مردم نرسد و رفع فقر به تأخیر بیفتد و در پایان سال نیز که حجم انبوهی از ثروت که یک سال ذخیره شده بود، یکباره در جامعه تقسیم می‌شد، موجب افزایش تورم و قیمت‌ها می‌شد که کار را بر مستضعفان سخت می‌کرد.

۳.۱.۲ راهکار سوم: مواجهه با واگذاری‌های غلط بیت‌المال

بهره‌گیری غیرقانونی از بیت‌المال توسط کارگزاران و نزدیکان خلیفه سوم از مواردی است که موجب فساد سیستمی اقتصاد شده بود. این تساهل و تسامح در واگذاری بیت‌المال در کلام امیرمؤمنان(ع) چنین آمده است:

آنگاه سومی برخاست، در حالی که از پرخوارگی باد به پهلوها افکنده بود و چونان ستوری که همی جز خوردن در اصطبل نداشت. خویشاوندان پدریش با او همدست شدند و مال خدا را چنان با شوق و میل فراوان خوردند که اشتران، گیاه بهاری را...^{۱۷}.

به نقل از موسی بن طلحه نقل شده است که عثمان، نخستین کسی بود که در عراق، قطعه‌هایی را از زمین‌های ویژه (اراضی خالصه) فرمانروایان ایران و نیز جاهایی را که صاحبان آنها کوچ کرده بودند، به اقوام خود می‌بخشید و از جمله، نَسَاسِج^{۱۸} را به طلحه بن عبیدالله بخشید» (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۸۶/۵). همچنین بخشش دو بیست هزار دیناری او به طلحه از مصادیق دیگر این واگذاری‌های بی حساب او از بیت‌المال است (بلاذری، ۱۴۱۷: ۶ / ۱۰۸). واگذاری‌های غیر عادلانه خلیفه سوم در حدی بود که او در اواخر عمر خود از بخشش‌هایش به طلحه ابراز پشیمانی کرد.^{۱۹} بخشش‌های خلیفه سوم و قرار گرفتن اموال زیادی از بیت‌المال در دست اشخاص خاص، موجب فساد اقتصادی و بروز چالش‌های اقتصادی و سیاسی برای خلافت امیرمؤمنان(ع) شد. اینان در مقابل اصلاحات امیرمؤمنان(ص) صف آرایی کرده و از هر جهت به آن حضرت فشار آوردند.^{۲۰} حضرت می‌فرمود:

هنگامی که آنها را از آنچه در آن فرو رفته‌اند بازدارم و آنها را به سوی حقوقی که خود می‌دانند بکشانم، بر این کار سرزنش کرده و آنرا زشت شمرده و می‌گویند: ابن ابی طالب ما را از حقوق خود محروم کرد (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۶/۷-۳۷).

علی‌رغم همه مخالفت‌های اشراف، آن حضرت از مبارزه با فساد سیستمی دست بر نداشت، و در همین راستا بود که دستور داد همه سلاح‌ها و شتران صدقه که در خانه عثمان بود، به بیت‌المال برگردانند و هر جا به اموال بیت‌المال برخوردند که جزء بخشش‌های عثمان بود آن را به بیت‌المال برگردانند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۷۰/۱).

خلیفه سوم علاوه بر بخشش‌هایی که به دیگران داشت اموال بسیاری را از بیت‌المال به خود اختصاص داد. خانه او در مدینه با سنگ و آهک، محکم بنا شد و درهایی از چوب ساج و سرو کوهی بر آن قرار داشت و هنگامی که کشته شد نزد خزانه دار او صد و پنجاه هزار دینار و یک

مواجهه با فساد سازمان‌یافته اقتصادی در سیره... (رمضان محمدی و دیگران) ۲۲۵

میلیون درهم، موجودی بود و ارزش املاکش در وادی القری و حنین و غیر آن به صد هزار دینار می‌رسید علاوه بر این که اسبان و شتران بسیاری نیز بر جای نهاد. (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳۳۲/۲).

بنابر این امیرمؤمنان(ع) هنگامی که به خلافت رسید با حجم گسترده‌ای از غارت بیت‌المال به صورت فساد سیستمی مواجهه شد. حضرت برای برداشتن این فساد سیستمی، تصمیم به بازپس‌گیری بیت‌المالی گرفت که عثمان در زمان خلافت خود به اقربای خود داده بود و فرمود:

به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیابم، آن را به صاحبش بازمی‌گردانم، هر چند، آن را کابین زنان کرده باشند یا بهای کنیزکان. که در دادگری گشایش است و آنکه از دادگری به تنگ آید از ستمی که بر او می‌رود، بیشتر به تنگ آید.^{۲۱}

۴.۱.۲ راهکار چهارم: مواجهه با تضاد طبقاتی

اختلاف و شکاف طبقاتی یکی از آسیب‌های مهم هر جامعه‌ای به حساب می‌آید. این شکاف تنها در حوزه اقتصاد باقی نمی‌ماند و به حوزه‌های اجتماعی و خانوادگی نیز کشیده می‌شود. لذا بر حاکم جامعه لازم است تدابیری را در کاهش شکاف طبقاتی و فقر اتخاذ کند.

سیاست‌های ناروای اقتصادی در عصر خلفای پیشین، موجب افزایش ضریب جینی^{۲۲} و یا همان اختلاف و شکاف طبقاتی شد. امیرمؤمنان(ع) برای تغییر در ساختار و قوانین فسادزا در جهت سرکوب فساد سیستمی، اقدامات متعددی را انجام داد. از جمله اینکه برای ترمیم شکاف طبقاتی که ایجاد شده بود، به کارگزاران خود سفارش موکد کرد که از بیت‌المال، سهم اضافه‌ای را برای رسیدگی به حال طبقات محروم اختصاص دهد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). حضرت در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

سپس خدا را خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره‌ای ندارند، [و عبارتند] از زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند، پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می‌باشی... همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی برمگردان،

به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند... (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

۲.۲ تغییر در قوانین و ساختار انتخاب کارگزار

امیرمؤمنان(ع) بعد از حذف قوانین و ساختارهای فاسد در نظام پرداخت بیت‌المال و عدول به سیره رسول الله (ص)، وارد مرحله جدیدی از اقدامات اقتصادی خویش شد و آن عبارت بود از تغییر قوانین و ساختار انتخاب کارگزاران اقتصادی.

امیرمؤمنان(ع) ملاک‌های انتخاب کارگزاران را تغییر داد تا از انتخاب افراد خائن که دست امینی در بیت‌المال نداشتند، جلوگیری کند. آن حضرت خطاب خود به خذیفه بن یمان می‌فرماید: افراد مورد اطمینان و کسانی را که مورد علاقه تو هستند و از دیانت و حسن امانتشان راضی می‌باشی، گردآور و از آنها در کارهایت یاری بخواه (دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۳۲۱/۲ - ۳۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸۷/۲۸-۸۸؛ امین، ۱۴۰۳ق: ۶۰۴/۴).

آن حضرت از طریق انتخاب صحیح کارگزاران تلاش داشت تا از فساد اقتصادی آنان جلوگیری کند، بدین سبب به مالک اشتر تأکید کرد که کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا، از خاندان‌های پاکیزه و با تقوی، که در مسلمانان سابقه درخشانی دارند، انتخاب نماید.^{۲۳} با روش‌هایی که امیرمؤمنان(ع) به کار بست کارگزاران قبلی که در ظلم و فساد سهیم بودند، از مسئولیت کنار گذاشته شدند. آن حضرت درباره یکی از شایسته‌ترین کارگزاران خود در بصره به مردم بصره چنین نوشت:

ای گروه مردمان، من عبد الله بن عباس را جانشین خود بر شما قرار دادم. سخن او را بشنوید و فرمان او را تا هنگامی که از فرمان‌های خدا و رسول اطاعت می‌کند اطاعت کنید و اگر در میان شما بدعتی پدید آورد یا از حق منحرف شد بدانید او را از حکومت بر شما عزل خواهیم کرد.^{۲۴}

امیرمؤمنان(ع) با هدف حذف فساد سیستمی اقتصاد، قوانین تعیین کارگزار را در قالب ملاک‌هایی مانند داشتن تجربه، حیا، تقوا، سابقه درخشان در اسلام، از خاندان پاکیزه بودن، عدم بخل، عدم ترس، عدم حرص، قدرت فکری بالا در امور، در گذشته وزیر بدکاران نبوده باشد، صراحت در حق‌گویی، کمک کار در امور خیر، تابع مسیر حق، عدم خویشاوندی درجه یک و دو، امانتداری، دیانت، مورد علاقه حاکم اسلامی و عدم همنشینی و حمایت از جانب‌ظالمان؛ بیان فرمودند.

مواجهه با فساد سازمان‌یافته اقتصادی در سیره ... (رمضان محمدی و دیگران) ۲۲۷

اقدامات امیرمؤمنان(ع) در تغییر ساختار و قوانین فساد را برای مقابله با فساد سیستمی بود؛ اما حضرت در مرحله اجرای این ساختار نوین در جامعه اسلامی با شرایط و اقتضائات خاصی مواجه شد که در مواردی قدرت مانور حضرت محدود می‌ساخت.

۳. مواجهه با فساد سیستماتیک در سیره حکومتی امیرمؤمنان (ع)

گام دوم حضرت در مواجهه با فساد سازمان‌یافته اقتصادی، مبارزه با فساد سیستماتیک یا همان فساد شبکه‌ای و مافیایی بود. حضرت در مواجهه با این نوع از فساد، مهمترین اقدام خود را در رویارویی با مافیای قدرت یعنی بنی امیه قرار داد و در همان روزهای ابتدایی حکومت، معاویه را از مسئولیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برکنار نمود.

البته این نکته را باید در نظر داشت که امیرمؤمنان(ع) در میدان مبارزه با مفاسد اقتصادی، براساس یک طراحی پیچیده و یک نظام اولویت‌بندی گام برداشتند. بدین معنا که مبارزه با فساد اقتصادی سیستماتیک را تا جایی پیگیری می‌کردند که اصل نظام اقتصادی به خطر نیفتد و هرگاه چنین احتمالی رخ می‌داد، حفظ منافع جامعه اسلامی را بر مبارزه صریح و سریع با فساد سیستماتیک مقدم می‌شمردند؛ برای مثال، در نبرد صفین، عده‌ای از اصحاب به امیرمؤمنان(ع) عرض کردند که با دشمن پیمان آتش‌بس موقت ببندند و مذاکره کنند تا مشخص شود حق با چه کسی است؛ حضرت در اینجا جنگ را متوقف کردند؛ زیرا می‌دانستند اگر این کار انجام نشود، لشکر از هم فرو می‌پاشد و معاویه زمام امور را به دست می‌گیرد. امیرمؤمنان(ع) در این مورد به مصلحت ندانستند که جنگ صفین و مبارزه با فساد شبکه‌ای را بدون وقفه ادامه دهند و در نتیجه نبرد را به تعویق انداختند. چه بسا اگر نبرد متوقف نمی‌شد، در همان سال ۳۷ هجری، حکومت ایشان دچار فروپاشی شده و اهداف مهمتر و والاتر محقق نمی‌شد. در عین حال راهبرد مبارزه با فساد سیستماتیک در هیچ دوره‌ای مورد غفلت قرار نگرفت و حضرت در شرایط حاد و پیچیده به تغییر در روش مبارزه روی می‌آورد. بنابر این مقابله حضرت با فساد اقتصادی سیستماتیک، دارای منطق و عقلانیتی بود که با آرامش بتواند در مبارزه با فساد اقتصادی گام‌های بلندی بردارد.

از اقدامات مؤثر امیرمؤمنان(ع) در مواجهه با فساد سیستماتیک، می‌توان به یک فرایند سه مرحله‌ای اشاره کرد: ۱. ابقاء کارگزاران صالح قبلی ۲. عزل کارگزاران مافیایی و شبکه‌ای ۳. حذف اهل ذمه از شریان‌های اصلی اقتصاد.

امیرمؤمنان(ع) در انتصاب کارگزاران و مسئولین حکومتی خود برای از بین بردن فساد سیستماتیک رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کرد؛ کارگزارانی مثل حذیفه ابن یمان (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ۱۷/۳؛ دیلمی، ۱۴۱۲ق: ۳۲۱/۲ - ۳۲۲) را ولو اینکه از کارگزاران عثمان بودند (ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق: ۲۹۱)، اما به جهت سلامت نفس و شایستگی، ابقا کرد؛ برخی را هم به جهت مصالح اجتماعی مانند ابوموسی اشعری و به اصرار مالک اشتر ولو برای مدت کوتاهی بر امارت کوفه باقی گذاشت تا فتنه جمل را به پایان برد (یعقوبی، بی تا: ۱۷۹/۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۹۹/۴). اما اکثر کارگزاران عثمان را از کارگزاری خود عزل (یعقوبی، بی تا: ۱۷۹/۲) و کارگزارانی شایسته و جوان مانند قُثم بن عباس را انتخاب کرد.

رویکردهای انتخاب کارگزاران حضرت در مواجهه با فساد سیستماتیک و شبکه ای در راستای باز پس‌گیری قدرت از مافیای قدرت و سیاست بسیار موثر افتاد و تاب تحمل مفسدان اقتصادی را برد و دشمنی‌های خود را با حضرت آشکار کردند. آن حضرت در نخستین سخنرانی خود که بعد از بیعت ایراد کرد به این مشکلات اشاره کرده است: بدانید که بار دیگر همانند روزگاری که خداوند، پیامبرتان را مبعوث داشت، در معرض آزمایش واقع شده‌اید. سوگند به کسی که محمد را به حق فرستاده است، در غربال آزمایش، به هم درآمیخته و غربال می‌شوید تا صالح از فاسد جدا گردد. یا همانند دانه‌هایی که در دیگ می‌ریزند، تا چون به جوش آید، زیر و زبر شوند. پس، پست‌ترین شما بالاترین شما شود و بالاترینتان، پست‌ترینتان. واپس ماندگانتان پیش افتند و پیشی گرفتگانتان واپس رانده شوند.^{۲۵}

استناد امیرمؤمنان(ع) در عدم استفاده از کارگزاران قبلی آیه شریفه «مَا كُنْتُ مَتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا»^{۲۶} بود (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۸۷؛ طبری آملی، ۱۳۸۳ق: ۲۶۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق: ۱۹۵/۳؛ مفید(الف)، ۱۴۱۳ق: ۱۵۰؛ ابن‌کنیر، ۱۴۰۷ق: ۲۲۹/۷) و به طور صریح با جریان فساد اقتصادی مخالفت نمود و حاضر نبود حتی برای دو روز هم امثال معاویه را بر سر کار نگه دارد (مسعودی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۶/۲).

به بخشی از فساد شبکه‌ای و مافیایی عصر خلیفه سوم می‌توان چنین اشاره کرد:

عثمان، عبدالله بن سعد ابی سرح^{۲۷} را حاکم مصر قرار داد، او نیز پس از فتح آفریقا غنائمی را که بالغ بر دو میلیون و پانصد و بیست هزار دینار بود نزد عثمان آورد، عثمان هم صلح‌رحم کرد و تمام غنائم را به خود او بخشید (یعقوبی، بی تا: ۱۶۵/۲-۱۶۶)؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۱۹۹/۱).

از دغدغه بسیار مهم حضرت ریشه کن کردن فساد سیستماتیک بود، لذا می‌فرمود: «اما اندوه من از آن است که نابخردان و هوسبازان، زمام این امت را به دست گیرند و مال خدای را دولت باد آورده‌ی خویش شمارند» (نهج‌البلاغه: نامه ۶۲). آن حضرت در نامه خود به معاویه می‌فرماید: «جایگاه تو، جایگاه یک کارگزار صالح و شایسته در حکومت اسلامی نیست، کسانی صلاحیت کارگزاری در جامعه اسلامی را دارند که سابقه درخشان در دین و شرافت خانوادگی داشته باشند که تو در این مرتبه و جایگاه نیستی» (نهج‌البلاغه: نامه ۱۰).

امیرمؤمنان(ع) در صدد بنای ساختار و تشکیلاتی است که فساد سازمان یافته - فساد سیستمی و سیستماتیک - در آن رخ ندهد. لذا بیشتر هم خود را صرف برخورد با جریان مافیایی و شبکه ای کارگزاران حکومت قبل از خود نمود که از جمله مصادیق مهم و بارز شبکه مافیایی جریان امویان و در راس آنان معاویه بود. ساختار اقتصادی حکومت علوی به شکلی طراحی شده که فسادزا و فساد پرور نباشد و سد محکمی در مقابل ایجاد نفوذ مافیا و فساد شبکه ای در اقتصاد باشد؛ و چنانچه فساد اقتصادی نیز در ساختار حکومتی حضرت اتفاق می‌افتاد، آن حضرت در مقابل این فسادها، به دنبال بازدارندگی، کشف، جرم‌انگاری و مبارزه با فساد اقتصادی بود.

برای این منظور معاویه به دنبال احساس شکست در صفین وقتی از حضرت خواست شام را به او واگذار کند، حضرت فرمود:

معاویه اینکه خواستی شام را به تو واگذارم، همانا من چیزی را که دیروز از تو بازداشتم، امروز به تو نخواهم بخشید... هرگز ارزش مهاجران چون اسیران آزاد شده نیست و حلال‌زاده همانند حرام‌زاده نمی‌باشد و آنکه بر حق است با آنکه بر باطل است را نمی‌توان مقایسه کرد و مؤمن چون مفسد نخواهد بود و چه زشتند آنان که پدران گذشته خود را در ورود به آتش پیروی کنند (نهج‌البلاغه: نامه ۱۷).

اشعث ابن قیس نیز که یکی از کارگزاران عثمان بود و در روند فساد شبکه‌ای و براساس مافیایی قدرت بر سر کار آمده بود و همواره قبل و بعد از مسئولیتش در آذربایجان به فتنه‌انگیزی علیه امام علی(ع) مبادرت می‌ورزید؛ حضرت برای قطع جریان فساد شبکه ای که در بین کارگزاران عثمان متداول بود، پس از جنگ جمل (سال ۳۶) به او نوشت و او را از استبداد نسبت به رعیت برحذر داشت و از او خواست تا اموالی را که در دست او و از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است، به او بسپارد که او فقط خزانه‌دار این اموال است و بیشتر از این حق تصرف در آن اموال را ندارد (نهج‌البلاغه: نامه ۵). ترمذ اشعث باعث شد حضرت تمام اموال او

را بگیرد و او را از کارگزاری خود عزل نماید (بحرانی، ۱۳۷۵ش: نامه ۵) و بدین ترتیب حضرت با خلع او از مسئولیت و گرفتن اموال او، شبکه مافیایی را که به بیت‌المال و مردم لطمه وارد می‌کرد، رسوا و براندازی کرد.

از اقدامات مهم دیگر امیرمؤمنان برای از بردن فساد اقتصادی سیستماتیک، حذف اهل ذمه از شریان‌های اصلی اقتصاد بود. یکی از شریان‌های مهم و گسترده اقتصادی در حکومت آن حضرت، مراکز صرافی بود. کسانی که در این صنف فعالیت داشته، می‌بایست از اشخاصی انتخاب شوند که مورد اطمینان نظام اقتصادی حکومت اسلامی باشند؛ زیرا صرافی‌ها در مبادلات دینار و درهم و تبدیل سکوک خارجی به داخلی و بالعکس، نقش قابل توجهی داشتند؛ لذا حضرت برای جلوگیری از شکل‌گیری یک جریان فاسد شبکه‌ای و مافیایی در اقتصاد، نامه‌ای به رفاعه قاضی اهواز می‌نویسد و به او دستور می‌دهد که اهل بدعت را از اشتغال در شغل صرافی بازدارد (القاضی النعمان، ۱۳۸۵ق: ۳۸/۲).

ممنوع نمودن غیرمسلمانان از صرافی و جریان مبادلات پولی، از کلام حضرت استفاده می‌شود که اگر اشتغال به کاری به هر دلیل در تضاد با منافع امت اسلامی قرار گیرد، حاکم اسلامی حق ممانعت و جلوگیری از آن را با هدف مقابله با تشکیل مافیا و فساد شبکه‌ای اقتصاد خواهد داشت. خواه کسی که این فعالیت را انجام می‌دهد، فردی از درون جامعه اسلامی و متعلق به جماعت مسلمین باشد و یا در مجموعه امت اسلامی قرار نگیرد.

۴. نتیجه‌گیری

مبارزه با مفاسد سازمان‌یافته اقتصادی بسیار دشوار و راهی پر فراز و نشیب را در پی دارد و بسیاری از خواص و نخبگان جامعه در این مبارزه دچار حیرت و سرگردانی می‌شوند. بسیاری از ریزش‌ها در هر حکومتی در عرصه مبارزه با فساد سازمان‌یافته اتفاق می‌افتد. دلیل این رویداد ناخوشایند اما اجتناب‌ناپذیر، پیچیدگی رویدادها در این مبارزه همه‌جانبه با فساد است؛ زمانی که امیرمؤمنان(ع) برای ترمیم اقتصاد اسلامی و مبارزه با فساد فراگیر - سیستمی - مجبور به رویارویی با صحابی خاص رسول خدا(ص) در نبرد جمل می‌شود و یا به علت فساد نظامند - سیستماتیک - مجبور به رویارویی با اهل شام می‌شود و هزاران نفر در این نبردها کشته می‌شوند، نشان از دشواری این عرصه و این مبارزه با فساد سازمان‌یافته اقتصادی است.

مبارزه با فساد سازمان‌یافته به حدی دشوار بود که در آخرین روزهای حکومت امیرمؤمنان(ع) به حضرت در مسجد کوفه نسبت کذاب می‌دادند و حضرت در میان یاران

شیعی خود نیز طعم سخت غربت را می‌چشید. اینها و فراتر از آن، اثرات مبارزه با فساد سازمان‌یافته است که حتی حکومت سراسر عدالت‌امیرمؤمنان(ع) را به زیر می‌کشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. علم اقتصاد امروزی که تأثیرپذیر از مبانی نظام سرمایه‌داری غرب است، مفاسد اقتصادی را محدود به بخش دولتی کرده و مفاسد بخش خصوصی مورد غفلت قرار گرفته لذا ایرادهای بسیاری بر آن وارد می‌باشد، اما در اقتصاد اسلامی، «مکاسب محرمه» با توجه به جایگاه آن در نهادهای دولتی و خصوصی، دقیق‌ترین و عمیق‌ترین معادل مفهومی برای فساد اقتصادی از منظر اسلام می‌باشد (هادوی‌نیا، ۱۳۹۶: ۶۶/۱۷).

۲. فرهنگ لغت پیشرفته آکسفورد (۱۸۸۴م.): affecting or connected with the whole of something: فرهنگ لغت Merriam Webster: affecting the body generally؛ (فراگیر، همه‌گیر، سراسری، مربوط به کل سیستم، معانی نزدیک برای سیستمی هستند. بنابراین منظور از فساد سیستمی، فساد فراگیر و سرتاسری است که فساد همه جا را دربرگرفته است).

۳. <https://www.u4.no/terms> (ذیل عنوان Systemic corruption)؛ اندیشکده شفافیت برای ایران (ذیل عنوان تدقیق و بررسی فساد سیستمی: آیا در ایران فساد سیستمی است؟)

۴. فرهنگ لغت پیشرفته آکسفورد: done according to a system or plan

۵. <https://www.u4.no/terms> (ذیل عنوان Sporadic corruption)؛ اندیشکده شفافیت برای ایران (ذیل عنوان تدقیق و بررسی فساد سیستمی: آیا در ایران فساد سیستمی است؟)

۶. برخی از فسادهای کلان اقتصادی در دوران خلیفه دوم و خلیفه سوم عبارتند از تقسیم بیت المال خلاف سیره رسول‌الله(ص)، ذخیره‌سازی بیت‌المال، تساهل و تسامح در واگذاری بیت‌المال، قرار دادن اهل ذمه در شریان اصلی اقتصاد جامعه اسلامی و ...

۷. اقدامات اقتصادی امیرمؤمنان(ع) در راستای مبارزه با فساد سازمان‌یافته به تفصیل در ادامه خواهد آمد.

۸. برای مطالعه بیشتر از ساختار اقتصادی رسول‌الله(ص) به این منابع رجوع شود: السوق فی ظل الدوله الاسلامیه، السید جعفر مرتضی؛ منابع مالی اهل بیت(ع)، نورالله علیدوست با مقدمه آیت‌الله سبحانی.

۹. گام دوم عبارت بود از مبارزه با فساد سیستماتیک.

۱۰. یکی از اهداف امیرمؤمنان(ع) از جنگ صفین، برکناری معاویه و بنی‌امیه از رأس قدرت در ممالک اسلامی بود اما ثقفی در الغارات به نقل از امیرمؤمنان(ع) آورده است که اهداف معاویه و یارانش، تصاحب بیت‌المال و تصرف باطل در آن بوده است لذا باید با آنان وارد نبرد شد: «آنها مال خدا را بین خود تقسیم می‌کنند و فاسقان را پیرامون خود جمع کرده‌اند، به خداوند سوگند اگر اینها نبودند من شما را

این اندازه سرزنش نمی‌کردم و تحریض نمی‌نمودم و شما را که سستی می‌کنید و از جنگیدن امتناع دارید ترک می‌کردم» (تقفی کوفی، ۱۳۵۳: ۳۲۰/۱).

۱۱. بین فقهی شیعه و سنی در اقسام بیت‌المال و فروعات فقهی درباره موارد اخذ و کیفیت صرف آن اختلافاتی وجود دارد که داخل شدن در آنها مناسب عنوان بحث ما نیست علاقه‌مندان می‌توانند در این باره به کتاب جواهر الکلام، و کتاب الاموال ابو عبید درباره نظرات فقهای شیعه و اهل تسنن رجوع نمایند.

۱۲. زکات باید در گروه‌های هشت‌گانه که خداوند در سوره توبه آیه ۶۰ برشمرده است، هزینه شود و متعلق به همه مسلمین نیست.

۱۳. این‌گونه از زمین‌ها، انفال به حساب نمی‌آیند و در ملک تمام مسلمانان قرار گرفته می‌شود. درآمد حاصل از آن با صلاح‌دید رسول‌الله (ص) و امامان معصوم (ع) در راه مصالح عمومی جامعه اسلامی و رفع نیازهای مرتبط با همه مسلمانان به کار گرفته می‌شود، مانند ساختن درمانگاه‌ها و مراکز آموزشی (صدر، ۱۴۱۷: ۴۳۷-۴۳۹).

۱۴. طبق آیه شریفه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ» انفال متعلق به خداوند و رسول خدا و بعد از ایشان متعلق به امامان معصوم (ع) که به صلاح‌دید ایشان در جامعه اسلامی صرف هزینه‌های گروه خاصی از مسلمانان و یا عموم مردم می‌شود.

۱۵. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ابو عبید، ۱۴۰۶ق.

۱۶. «ان هذا المال لیس لی ولا لک، و انما هی فیئ للمسلمین، و جلب اسیافهم فان شرکهم فی حربهم، کان لک مثل حظهم و الا فجناة ایدیهم لا تکن لغير افواههم» (نهج البلاغه: خطبه ۲۳۲)

۱۷. «و الی ان قام ثالث القوم نافعاً حُضِنِه بَیْن تَیْبِلِه و مُتَلَفِه و قام معهُ نَبو اَیبه یخضمون مال الله [خضم] خُضْمَةً الایلی نِبْتَةَ الریبیع الی ان اُتکت علیهِ فتله» (نهج البلاغه: خطبه ۳).

۱۸. نشاستج، کشتزار یا جوی آب بزرگ و پُر درآمدی در کوفه است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۸۵/۵)

۱۹. عثمان می‌گفت: «وای بر طلحه! باری گران از طلا به او بخشیدم و اینک او به دنبال ریختن خون من است و [مردم را] بر من می‌شوراند. خدایا! او را از آن، بهره‌مند مگردان و سرانجام سرکشی‌اش را به او برسان!» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۳۵/۹).

۲۰. نمونه آن را می‌توان در اتفاقات منتهی به جنگ جمل مشاهده کرد.

۲۱. و من کلام له (ع) فیما رده علی المسلمین من قطائع عثمان: وَ اللَّهُ لَوْ وَجَدْتُهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِ النِّسَاءِ وَ مُلِکَ بِهِ الْإِمَاءَ لَرَدَدْتُهُ. فَإِنَّ فِی الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَیْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَیْهِ أَضِیقُ (نهج البلاغه: خطبه ۱۵)؛ «ألا و إنَّ کُلَّ قِطْعَةٍ اقْطَعَهَا عِثْمَانُ مِنْ مَالِ اللَّهِ مَرْدُودٌ عَلَی بَیْتِ الْمَالِ الْمُسْلِمِینَ...» (محمودی، ۱۳۹۶ق: ۱۹۸/۱).

۲۲. میزان اختلاف و شکاف طبقاتی را می‌توان با معیارهای متعددی از جمله ضریب جینی به دست آورد. ضریب جینی یا «شاخص جینی» (Gini index) معیار اندازه‌گیری توزیع درآمد (یا ثروت) در یک جمعیت است. به طور معمول، از این شاخص برای سنجش نابرابری اقتصادی استفاده می‌شود. این شاخص توزیع درآمد یا به عبارتی توزیع ثروت در میان یک جمعیت را بررسی می‌کند. ضریب جینی اعدادی بین صفر تا ۱ را به خود می‌گیرد که صفر (یا ۰٪) نشان‌دهنده برابری کامل و ۱ (یا ۱۰۰٪) نشان‌دهنده نابرابری مطلق است. هنگامی که شاخص جینی بسیار بالا و نزدیک به عدد ۱ باشد، این مطلب دریافت می‌شود که افراد با درآمد بالا، به صورت نامتناسبی، حجم زیادی از کل درآمد را دریافت می‌کنند.

۲۳. «... ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيَارًا، وَلَا تُولِّمْهُمُ مَحَابَةً وَآثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ. وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْأَسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ، فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَأَصْحَىٰ أَعْرَاضًا، وَأَقْلُ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا، وَأَبْلَغُ فِي عَوَاقِبِ الْأُمُورِ نَظْرًا...» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

۲۴. «یا معاشر الناس قد استخلفت عليكم عبدالله بن عباس، فاسمعوا له وأطيعوا أمره ما أطاع الله ورسوله، فان أحدث فيكم أوزاع عن الحق فاعلموني أعزله عنكم» (مفید(ب)، ۱۴۱۳ق: ۴۲۰).

۲۵. و من كلام له (ع) لما بُوع في المدينة وفيها يخير الناس بعلمه بما تتول إليه أحوالهم وفيها يقسمهم إلى أقسام: «...أَلَا وَإِنَّ بَلِيَّتَكُمْ قَدْ عَادَتْ كَهَيْئَتِهَا يَوْمَ بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لِنُبُلْسُنِ بَلْبَلَةٍ وَ لِنُغْرِبْلِنِ غَرْبَلَةٍ وَ لِنَسَاطِنِ سَوَاطِنِ الْقَدْرِ حَتَّىٰ يَبُودَ أَسْفَلَكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ وَ لَيْسَبْنَ سَابِقُونَ كَانُوا قَصْرًا وَ لَيْقَصْرَنَ سَبَاقُونَ كَانُوا سَبَقُوا...» (نهج البلاغه: خطبه ۱۶).

۲۶. «من آن نیستم که گمراهان را همکار خود بگیرم» (کهف: ۵۱).

۲۷. عبدالله بن ابی سرح جزء تبعید شدگان رسول الله (ص) بود.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن ابی الحدید (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، تحقیق ابراهیم محمدابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

ابن اعثم کوفی، احمد بن محمد (۱۴۱۱ق). الفتوح، به کوشش علی شیری، بیروت: دارالاضواء.

ابن شهر آشوب (۱۳۷۹ق). المناقب، قم: علامه.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق). البدایة و النهایة، بیروت: دارالفکر.

ابوعبید، قاسم بن سلام (۱۴۰۶ق). الاموال، تحقیق محمد خلیلی هراس، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابویعلی، احمد ابن علی (۱۴۲۶ق). مسند ابی یعلی، بیروت: دارالمعرفه.

۲۳۴ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- امین، محسن (۱۴۰۳ق). *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن امین، بیروت: دارالتعارف.
- بحرانی، ابن میثم (۱۳۷۵)، *شرح نهج البلاغه*، ترجمه قربانعلی محمدی مقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- بلاذری، احمد (۱۴۱۷ق). *أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار، ط الاولی، بیروت: دارالفکر.
- تقفی کوفی، سعید بن هلال (۱۳۵۳ش). *العارات*، تحقیق جلال الدین حسینی، تهران: انجمن آثار ملی.
- دیلمی، حسن ابن محمد (۱۴۱۲ق). *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم: الشریف الرضی.
- قرشی، زبیر ابن بکار (۱۴۱۶ق). *الأخبار الموقّعات*، تحقیق سامی مکی العانی، چاپ اول، قم: الشریف الرضی.
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۷ق). *إقتصادنا*، تحقیق مکتب الاعلام الاسلامی، قم: مطبعة مکتب الاعلام الاسلامی.
- طوسی، محمد ابن الحسن (۱۴۱۴ق). *الامالی*، تحقیق موسسه البعثه، قم: دارالثقافه.
- مفید (ب)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: الموتر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
- مفید(الف)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الجمل*، تحقیق سیدعلی میرشریفی، قم: کنگره شیخ مفید.
- طبری، ابوجعفر بن محمد (۱۳۸۷ق). *تاریخ طبری*، تحقیق ابراهیم محمد ابوالفضل، ط الثانیه، بیروت: دارالتراث.
- طبری آملی، عمادالدین (۱۳۸۳ق). *بشاره المصطفی*، نجف: المکتبه الحیدریه.
- علیدوست، نورالله (۱۳۹۰ش). *منابع مالی اهل بیت (علیهم السلام)*، با مقدمه آیت الله سبحانی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- فرهنگ لغت پیشرفته آکسفورد.
- قاضی ابی‌علی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *الاحکام السلطانیه*، تصحیح محمود حسن، بیروت: دارالفکر.
- القاضی نعمان، ابی حنیفه (۱۳۸۵ق). *دعائم الاسلام*، تحقیق آصف فیضی، قم: مؤسسه آل‌البیت(ع).
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، تحقیق جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمودی، محمدباقر (۱۳۹۶ق). *نهج السّعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، بیروت: دارالتعارف.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۰۹ق). *مروج الذهب*، تحقیق اسعد داغر، چاپ دوم، قم: دارالهجره.
- هادوی‌نیا، علی اصغر (۱۳۹۶). «مفهوم‌سازی و سنجش فساد اقتصادی از دیدگاه اسلام با رویکرد نهادگرایی»، *اقتصاد اسلامی*، س ۱۷، ش ۶۶.
- یاقوت حموی، عبدالله (۱۹۹۵م). *معجم البلدان*، ط الثانیه، بیروت: دار صادر.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ یعقوبی*، بیروت: دار صادر.